پسر پولدار از روی هیجان سرقت می‌کرد!

آرمین بینا

سردسته باند سارقان سریالی موتورسیکلت‌های تهران که مردی پولدار است در بازجویی‌ها مدعی شد که دوست‌داشته پلیس شود و از کودکی عاشق هیجان تعقیب و گریز مأموران و سارقان بوده‌است و زمانی که به آرزویش نرسیده از روی هیجان دست به سرقت‌زده تا پلیس او را دنبال کند.

سرهنگ علی ولی‌پور گودرزی
رئیس پلیس آگاهی تهران

چندی قبل مأموران پلیس تهران در جریان سرقت‌های سریالی موتورسیکلت تعدادی از شهروندان قرار گرفتند و تحقیقات خود را برای شناسایی سارقان آغاز کردند. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد سارقان در دو باند جداگانه در خیابان‌های تهران موتورسیکلت‌های فاقد جی پی اس و قفل را سرقت می‌کنند. از سوی دیگر مشخص شد سارقان، موتورسیکلت‌های سرقتی را به قیمت پایینی به مالخران می‌فروشند و مالخران هم با تغییر ارکان آن و جعل برگه کپی مزایده‌ای، موتورسیکلت‌های سرقتی را به فروش می‌رسانند. در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد، کارآگاهان پلیس آگاهی موفق شدند در جریان چند عملیات، اعضای دو باند حرفه‌ای سارقان موتورسیکلت را شناسایی و دستگیر کنند.

سرهنگ علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام دستگیری دو باند سارقان موتورسیکلت به خبرنگار ما گفت:«پس از طرح شکایت‌های متعدد، کارآگاهان پایگاه سوم و نهم پلیس آگاهی موفق شدند ۲۳ متهم را که اعضای دو باند سرقت موتورسیکلت و مالخران هستند، بازداشت کنند. اعضای این دو باند بیش از ۱۰۰ فقره موتورسیکلت سرقت کرده‌بودند که مأموران موفق شدند حدود ۴۰ دستگاه موتورسیکلت سرقتی از مخفیگاه آنها کشف کنند.

۲۳ متهم در دو باند ۱۰ و ۱۳ نفره چند روز قبل همراه وسایل سرقتی به پلیس آگاهی تهران منتقل شدند و به سرقت‌های سریالی اعتراف کردند. سردسته یکی از باندها پسر ۲۶ ساله تحصیلکرده‌ای به نام شروین بود که به گفته خودش فقط برای هیجان دست به سرقت می‌زده‌است و نیاز مالی ندارد. وی مدعی بود که انگلیسی را مثل بلبل حرف می‌زند و از دوران کودکی دوست داشته پلیس شود، اما اشتباهی سارق شده‌است.

گفت‌وگو با سردسته باند

شروین درباره سوابقت توضیح بده؟

چند باری به اتهام سرقت و یک بار هم به اتهام مشارکت در قتل بازداشت شدم.

مدتی قبل یکی از دوستانم یک کیلو موادمخدر گل به مرد قاچاق فروشی فروخت، اما او پول تقلبی به دوستم داده‌بود. خیلی تلاش کردیم موضوع را دوستانه حل کنیم و پول یک کیلو گل را بگیریم، اما او نه‌تنها پولی به دوستم نداد که برای ما خط و نشان هم کشید، به همین خاطر با هم قرار دعوا گذاشتیم. روز حادثه ما پنج نفر به محل قرار رفتیم و طرف مقابل ما هم پنج نفر بودند که درگیر شدیم و در جریان آن از طرف مقابل یک نفر کشته شد. دوستم قتل را به گردن گرفت و من هم به خاطر مشارکت در قتل دستگیر شدم و به زندان افتادم.

چه شد که باند سرقت تشکیل دادی؟

وقتی به زندان بیفتی و در محل زندگی‌ات هم با افراد خلافکار و سارق رفت و آمد داشته باشی خود به خود باند خلاف تشکیل می‌شود و معمولاً هم باندها یا در زندان یا در قهوه‌خانه‌ها و پاتوق خلافکاران تشکیل می‌شود و یک نفر هم که از هم زرنگ‌تر باشد یا سابقه و تجربه بیشتری داشته باشد، به عنوان سردسته انتخاب می‌شود. من تحصیل کرده‌ام و فوق دیپلم دارم و از همه مهم‌تر به زبان انگلیسی مسلطم و انگلیسی را مثل بلبل حرف می‌زنم.

شیوه سرقتتان چطوری بود؟

من خودم شاه‌کلیدی درست کرده‌بودم و به راحتی قفل‌های موتورسیکلت را باز می‌کردم. شاه‌کلید من یک پیچ‌گوشتی دو سو بود که نوک آن را کمی نازک کرده‌بودم و میله آهنی هم به عنوان دسته در ته آن جوش داده‌بودم. البته ما موتورسیکلت‌هایی که جی‌پی‌اس نداشتند و مجهز به قفل و زنجیر نبودن سرقت می‌کردیم. معمولاً هم همه نوع موتور سرقت می‌کردیم.

در این مدت چقدر پول گیرت آمد؟

من به خاطر پول سرقت نمی‌کردم. وضع مالی‌ام خوب بود و همراه عمویم نمایشگاه ماشین دارم و سرقت‌ها را هم به خاطر کسب درآمد انجام نمی‌دادم به همین خاطر خیلی پول برای من اهمیت نداشت.

انگیزه‌ات چه بود؟

من عاشق هیجان بودم و از بچگی دوست داشتم هیجان را تجربه کنم. ۹ ساله بودم و اولین موتورسیکلتی را که داخل خیابان دیدم و قفل نبود سوار شدم و شروع به گاز دادن کردم. آنقدر با سرعت رفتم که پلیس تعقیبم کرد و بعد هم دستگیر شدم. واقعیتش من از دوران کودکی دوست داشتم پلیس شوم و هیجان تعقیب و گریز مأموران و سارقان را خیلی دوست داشتم، ولی به دلایلی نتوانستم پلیس شوم و در نهایت به خاطر همین هیجان سارق شدم.

الان هم هیجان داری و می‌خواهی به این هیجان ادامه بدهی؟

نه. دوست ندارم که سرقت کنم و حتی آخرین بار که پس از شش سال از زندان آزاد شدم، توبه کردم و یک سال هم سرقت نرفتم، اما به خاطر اینکه همسرم در حق من نامردی کرد، دوباره تصمیم گرفتم سرقت را ادامه دهم و همراه اعضای باند شروع به سرقت کردم.

چه مشکلی با همسرت داشتی؟

وقتی آزاد شدم توبه کردم و به خواستگاری دختر مورد علاقه‌ام که از بستگانمان بود، رفتم و با هم ازدواج کردیم. او می‌دانست من سابقه دارم و چند باری به زندان افتاده‌ام و همه این شرایط را قبول کرد و من هم خیلی او را دوست داشتم و به خاطر او توبه کردم، اما مدتی بعد همه دار و ندارم را گرفت و مرا تنها گذاشت.

یعنی به خاطر مشکلات مالی دوباره شروع به سرقت کردی؟

نه. من گفتم الان هم وضع مالی‌ام خوب است. خودروی زیر پایم پژو ۲۰۷ است و نیازی به پول ندارم. او بیشتر ضربه روحی به من زد تا مالی، چون خیلی او را دوست داشتم و به خاطر او تصمیم گرفتم دور خلاف را خط بکشم.

الان چه؟

الان تصمیم گرفتم به خاطر مادرم توبه کنم و وقتی آزاد شدم، زندگی آبرومندی را شروع کنم. با خودم گفتم اگر این بار توبه‌ام را بشکنم، حقم است که انگشتان دستم را قطع کنند.

ولی این‌بار واقعاً به خاطر مادرم که او را در این مدت با کارهایم رنجانده‌ام، تصمیم گرفتم توبه کنم.

بازکاوی تولید آسیب از بستر همیاری اجتماعی در گفت‌وگو با دکتر محمدباقر راستی، روانشناس

کاهش جرائم با تقویت اقتصاد و آموزش

حسین فصیحی

بی‌تفاوت بودن نسبت به وضعیت انسان‌هایی که نیازمند کمک هستند، اتفاقی است که این روزها در معرض دید بسیاری از ما قرار گرفته است. انتشار خبرهایی در این باره نشان می‌دهد بسیاری از این افراد نیازمند نیستند، بلکه مجرمانی هستند که در پوشش افراد نیازمند دست به عملی مجرمانه می‌زنند. بسیاری از شهروندان به دلیل ترس از پیامدهایی که ممکن است از مجرای کمک‌رسانی متوجه آنها شود از این امر امتناع می‌کنند که این موضوع را در گفت‌وگو با دکتر محمدباقر راستی، روانشناس بازکاوی کرده‌ایم.

آموزه‌های دینی و اخلاقی همواره بر همیاری به همنوعان تأکید دارد. این تأکیدها در صورتی ترویج می‌شود که در حوزه آسیب‌های اجتماعی شاهد اتفاق‌های ناگواری هستیم که انتشار خبرهای آن ترک این فعل‌های درست را منجر می‌شود. مثلاً وقتی در برف شدید مشهد راننده خودروی پراید عبوری که زنی میانسال بود اعضای یک خانواده در راه‌مانده را سوار کرد، از سوی آنها به گروگان گرفته و اموالش هم سرقت شد. این جرائم همواره در پوشش‌های مختلف انجام می‌شود. برای ورود به بحث بفرمایید مرز بین انجام دادن یا ندادن عمل درست کدام است؟ فرد ممکن است با انجام دادن یک عمل انسانی به یک عقوبت مبتلا شود یا با ترک آن دچار عذاب وجدان شود؟

من موضوع را به چند دسته تقسیم می‌کنم؛ اولین مورد موضوع آموزش است. اریک اریکسون، روانشناس رشد انسانگرا جمله‌ای دارد که می‌گوید، شما ۱۰ نوزاد به من بدهید، من ۱۰ متخصص جراح، ۱۰ رئیس‌جمهور و ۱۰ روان‌شناس موفق به شما تحویل می‌دهم. توأم با آن از این ۱۰ نوزاد می‌توانم ۱۰ هیتلر یا چنگیز مغول تحویل دهم. در واقع اریکسون با طرح این موضوع بر ارزش تربیت و آموزش تأکید دارد. بحث ژنتیک هم در این بین بسیار اهمیت دارد. در دین ما هم اگر بررسی کنید متوجه خواهید شد که بر رزق حلال تأکید شده است. از قدیم تأکید شده مراقب نانی که به فرزندانتان می‌دهید، باشید که نان حلال باشد. اگر نان حلال دادی، بچه هم در راه درست و مسیر درست حرکت می‌کند. اگر پایش را کج گذاشت، ببین کجا پایت را کج گذاشته‌ای. اینجا باید به گذشته‌ات نگاه کنی. اینها بسیار مهم است که باید همه به آن دقت کنیم. از طرفی باید آموزش‌ها را نگاه کنیم. باید بررسی شود در خانواده و مدارس و در محیط‌های اجتماعی چه آموزش‌هایی داده می‌شود. اگر دلایل کاهش جرائم در کشورهای پیشرفته بررسی شود، مشخص خواهد شد که این کاهش تحت تأثیر آموزش صورت گرفته است. البته گستره آموزش بسیار وسیع است و بهره‌مندی از ثمره آن نیازمند زمان زیادی است، به‌طوری که چند نسل باید تلاش کنند آموزش نهادینه شود. دومین موضوع، مسئله فقر است. زمانی که انسان‌ها در یک جامعه دچار فقر و تنگدستی هستند از هر طریق تلاش دارند این فقر را جبران کنند. خیلی‌ها هستند که ممکن است موضوعات مطرح شده براساس اصول دینی و اعتقادی برایشان دنبال نشود، چراکه ذهنیات افراد متفاوت است. از همین‌رو وقتی شرایط اقتصادی را سخت می‌بینند، در صورتی که موقعیتی پیش آید، عرصه را برای دیگران سخت می‌کنند. این موضوع خوب نیست و اگر همه‌گیر شود، فرهنگ و آموزش‌های دینی ما از بین می‌رود، یعنی دست انسان است که در چنین موقعیتی به فطرت خودش یا به نفس خود رجوع کند که در اختیار تفکرات و آموزش‌های ماست. مسئله سوم که می‌شود به آن اشاره کرد، خود وجود ما و اعتقادات ماست. بعضی انسان‌ها هستند که آموزش درست دیده‌اند، در خانواده خوب بزرگ شده‌اند، اما حالا دچار فقر و تنگدستی شده‌اند یا اصلاً وضع اجتماعی خوبی ندارند که باید سعی کنند به آموزش‌هایی که دیده‌اند رجوع کنند. اینها باید به تفکرات انسانی رجوع و از آن استفاده کنند و از طریق تفکرات انسانی‌شان بهترین انتخاب‌ها را برای بهترین رفتارهای خودشان و جامعه برگزینند. چهارمین موضوع، اشخاصی هستند که ذاتاً در مسیر خلاف حرکت می‌کنند. اینها دسته‌ای هستند که براساس قانون باید با آنها رفتار شود. اینها از هر نظر دچار مشکل هستند و جزو این سه دسته نیستند و جزو گروه منفی جامعه هستند که برای آنها باید بررسی‌های لازم از طریق قانون انجام شود.

آموزش و فقری که به آن اشاره کردید، موضوعات زیربنایی هستند و آنگونه که گفتید، رفع آن نیازمند زمان زیادی است. در وضع موجود چه باید کرد؟

ریشه بیشتر این مشکلات برمی‌گردد به فقر و مسائل اقتصادی. اگر دقت کنید، مردمی که دست به کار خلاف می‌زنند خیلی‌هایشان از روی نیاز و فقر است که مرتکب این کار می‌شوند که اگر واقعاً مشکل فقر نداشته باشند این کار را انجام نمی‌دهند. به غیر از اشخاصی که یا زیاده‌خواه هستند یا ذاتاً از نظر ذهنی بیمار هستند که نمی‌توانند سالم زندگی کنند که اگر آنها را استثنا قرار دهیم، بخش زیادی از مرتکبان به خاطر مشکلات اقتصادی مرتکب خلاف می‌شوند. بنابراین باید مشکلات اقتصادی مرتفع شود. اگر ریشه‌های جرائم بررسی شود، به مشکلات اقتصادی می‌رسیم و تا زمانی که مشکلات اقتصادی درست حل نشود، هر چقدر آموزش قوی باشد، درصدی از معضلات جرائم حل خواهد شد و بخش زیادی از آن باقی می‌ماند. در قدم اول باید سعی شود مشکلات اقتصادی مردم مرتفع شود و بعد در برنامه‌ریزی درست در مرحله بعدی به سراغ آموزش برویم و آموزش را قوی‌تر کنیم تا در دهه‌های بعد نتایج بررسی شده مطمئناً آمار مثبت و جامعه خوب را خواهیم داشت.

تأثیرگذاری انتشار خبرهایی که به آن اشاره شد با گستره‌ای که شبکه‌های اجتماعی پیش‌روی جامعه قرار داده، می‌تواند شهروندان را به مشارکت در انجام عملی انسانی ترغیب کند یا باعث عدم ترغیب آنها شود. تصمیم‌گیری‌های افراد در چنین شرایطی بر چه اساسی باید منطبق باشد؟

زمانی که مردم خبری را می‌خوانند و بررسی می‌کنند، یک اصولی را باید برای خودشان برقرار بدانند و اوضاع و جوانب را بررسی کنند. مردم نباید فقط از روی احساسات تصمیم‌گیری کنند. همیشه باید منطق خودشان را قاضی کنند. منطق‌شان باید تصیمم درست بگیرد و بعد به احساساتشان رجوع کنند. کسانی که منطقی تصمیم می‌گیرند و از روی عقل و منطق نظر می‌دهند و رفتار می‌کنند، حتماً نتایج مثبتی خواهند دید. کسانی که از روی احساسات تصمیم بگیرند و منطقی پشت تصیمشان نباشد مطمئناً زیاد دچار ضرر و زیان می‌شوند. کسانی که در جاده رانندگی می‌کنند باید دقت کنند چه کسی را سوار و کجا سوار می‌کنند، شخص در چه شرایطی قرار دارد و در چه مسیری است. البته این اتفاق‌ها همیشه رخ نمی‌دهد. وقتی خانواده‌ای مستأصل است، همه دوست دارند کمک کنند. این اتفاق‌ها نادر است و مردم هم نباید اینگونه اتفاقات را به همه جامعه تسری دهند که همه ممکن است مجرم باشند و شخص را دچار مشکل کنند، چراکه افراد نیازمندی هم هستند که احتیاج به کمک دارند. ما انسان هستیم و باید به دیگران کمک کنیم و اگر نخواستیم به این افراد کمک کنیم با پلیس راهنمایی تماس بگیریم یا به راهداری خبر دهیم که به آنها کمک کنند. اگر کسی مجرم باشد یا نباشد، مقابل پلیس نمی‌تواند کار خاصی انجام دهد. بنابراین کار ما باید منطقی و اصولی باشد. در عمل‌مان باید فکر کنیم. منظورم این است که حداقل یک تصمیمی بگیریم که نه خودمان ضرر کنیم و نه دیگران ضرر کنند. در واقع هم بتوانیم کمک کنیم و هم خودمان ضرر نکنیم. اگر کارها اصولی و منطقی پیش برود، همه در شرایط مطلوب حرکت خواهند کرد.

به هر حال ترویج این موضوعات یا روی دادن اتفاق‌ها منجر به ترویج بدبینی نسبت به عملی انسانی می‌شود. از این موضوع چگونه می‌شود گذر کرد؟

حتماً همین‌طور است و ممکن است تأثیر منفی روی اشخاص و افراد جامعه بگذارد، اما اگر توضیحات و بررسی‌ها و آموزش‌های لازم از طریق ارگان‌های متفاوت مثل رسانه ملی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی معتبر به مردم داده شود که در این شرایط شما این فعالیت را انجام دهید، قطعاً از بار مشکلات کم خواهد شد. مثلاً در ایام نوروز پلیس، راهداری و سازمان‌های خدمات‌رسان که زحمت زیادی هم می‌کشند، فعالیت‌هایشان و شماره تماس‌هایشان باید مدام تبلیغ شود. ممکن است افرادی در جایی باشند که تلفن‌شان آنتن ندهد. بنابراین در اینگونه مسیرها باید تمهیداتی بیندیشند که امکان دسترسی اضطراری به پلیس یا سازمان‌های امدادی دیگر وجود داشته باشد. اگر کسی نخواست مستقیم به فرد در راه مانده کمک کند، امکان این را داشته باشد که به سازمان‌های امدادی خبر دهد که مثلاً خانواده‌ای نیاز به کمک دارد. آموزش فعالیت‌های امداد باید در سطح کشور دایر باشد. خیلی‌ها ممکن است اطلاع دقیقی نداشته باشند که در صورت مواجهه با اینگونه مسائل چه واکنشی داشته باشند که به صورت درست باید آموزش داده شود. خیلی از مهارت‌ها در حال حاضر در شبکه‌های تلویزیونی به کودکان آموزش داده می‌شود که اگر مستمر باشد ثمربخش خواهد بود.

کشف ۴ برابری مواد محترقه در پایتخت

فرمانده انتظامی تهران بزرگ با تأکید بر ورود مواد محترقه خطرناک به بازار از افزایش چهار برابری کشف مواد محترقه نسبت به مدت مشابه سال قبل خبر داد.

سردار عباسعلی محمدیان گفت: از اکنون شاهد ورود برخی از مواد محترقه پرخطر هستیم که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود. وی افزود: همچنین افزایش توزیع مواد محترقه پرخطر در پایتخت را شاهد هستیم که به صورت دست‌ساز و بدون هیچ‌گونه استاندارد و ایمنی تولید شده‌اند. وی ادامه داد: اگر چه پلیس به واسطه جدول زمانی که برای اقدامات خود دارد، از چند هفته قبل شناسایی و کشف مواد محترقه را آغاز کرده‌است، ولی نگران سلامت جوانان و نوجوانان هستیم که از خطرساز بودن این‌گونه مواد محترقه آگاهی کافی ندارند. سردار محمدیان تأکید کرد: بخشی از این مواد محترقه دست‌ساز کشف‌شده توسط کسانی ساخته شده‌است که هیچ تجربه‌ای ندارند و در منازل مسکونی اقدام به تهیه آن کرده‌اند. رئیس پلیس تهران گفت: برخی از این مواد به قدری خطرناک هستند که حتی پلیس هم با وجود تجهیزات مدرن در جابه‌جایی آن با خطر و حساسیت مواجه است که این مسئله نشان می‌دهد تا چه حد سلامت و جان مردم به خصوص جوانان و نوجوانان با این مواد در خطر است.

عامل تیراندازی مرگبار گیم‌نت بازداشت شد

مرد مسلح که متهم است دو نفر را در یکی از گیم‌نت‌های شهرستان دلگان به قتل رسانده است سرانجام بازداشت شد.

حادثه تیراندازی شامگاه سه‌شنبه چهارم بهمن‌ماه در یک گیم‌نت در خیابان نبی‌اکرم شهرستان دلگان اتفاق افتاد. بررسی‌ها در این باره نشان داد دو مرد ۲۱ و ۲۳ ساله با شلیک گلوله هدف قرار گرفته و جانشان را از دست داده‌اند. همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی معلوم شد عامل قتل‌ها مردی آشناست. یکی از شاهدان گفت: لحظاتی قبل از حادثه متهم در حالی که اسلحه به دست داشت وارد گیم‌نت شد. او قصد داشت یکی از حاضران را که سجاد نام داشت گروگان بگیرد که دوست سجاد مانع شد. بعد از آن بود که مرد مسلح شروع به تیراندازی کرد و سجاد و دوستش را به قتل رساند و سوار بر خودروی پژوپارسی که راننده منتظرش بود، شد و هر دو فرار کردند. در شاخه دیگری از تحقیقات، بررسی‌ها برای بازداشت متهمان به جریان افتاد تا اینکه دو روز قبل مأموران موفق شدند عامل تیراندازی را شناسایی و او را بازداشت کنند.

سردار دوستعلی جلیلیان، فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان با بیان اینکه انگیزه قتل شخصی است، گفت: تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

قتل ۳ عضو یک خانواده در مسجدسلیمان

مردی که متهم است سه عضو خانواده‌اش را در شهرستان مسجدسلیمان با شلیک گلوله به قتل رسانده، تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

به گزارش ایرنا، رحمان بن‌سعید، دادستان مسجدسلیمان گفت: حادثه تیراندازی در منطقه کلگه شهر اتفاق افتاد و بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد، دو خواهر ۱۱ و ۳۰ ساله و خواهرزاده ۶ساله‌شان با شلیک گلوله هدف قرار گرفته و به علت شدت جراحات فوت شده‌اند. همچنین معلوم شد عامل تیراندازی پسر خانواده است که بعد از حادثه متواری شده است. همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی، بررسی‌ها برای بازداشت متهم جریان دارد.

دام چوپان دروغگو برای دختران دم‌بخت

نوید نگار

مرد چوپانی در سایت همسریابی دختران دم‌بخت را به بهانه خواستگاری فریب می‌داد و طلاهای آنها را سرقت می‌کرد و با پول آن خودروهای گرانقیمت می‌خرید.

اوایل دی ماه امسال دختری در تهران به اداره پلیس رفت و از خواستگار قلابی‌اش به اتهام سرقت طلاهایش شکایت کرد. شاکی در توضیح ماجرا گفت:«چند سالی بود تصمیم گرفته بودم، ازدواج کنم ولی مرد مناسبی به خواستگاری‌ام نیامد. حرف و حدیث‌های خانواده و دوستانم مرا خسته کرده‌بود و از طرفی هم سنم بالا رفته‌بود که به پیشنهاد یکی از دوستانم برای پیدا کردن همسر دلخواهم در سایت همسریابی ثبت‌نام کردم. پس از این، افراد زیادی پیشنهاد ازدواج دادند، ولی شرایطمان با هم جور در نمی‌آمد و به توافق نمی‌رسیدیم تا اینکه مدتی قبل با پسر ۳۷ ساله‌ای به نام شاهرخ که هفت سال هم از من بزرگ‌تر بود در سایت همسریابی آشنا شدم و شرایط مرا قبول کرد.»

سرقت طلا

شاکی ادامه داد:«شاهرخ ادعا می‌کرد تاجر است و می‌خواهد پس از ازدواج برای زندگی به کشور کانادا برود. به هر حال ما مدتی با هم تلفنی و پیامکی در ارتباط بودیم و درباره شرایطمان با هم صحبت کردیم و حتی دختری را به عنوان خواهرش به من معرفی کرد و من با او هم چند باری صحبت کردم و قرار بود او همراه خانواده‌اش به خواستگاری‌ام بیاید. شاهرخ یک‌بار هم مرا به رستورانی دعوت کرد و وقتی سر قرار آمد، لباس‌های شیک به تن داشت و خودروی مدل بالایی هم سوار بود. او همیشه درباره خرید و فروش طلا با من صحبت می‌کرد و می‌گفت در این کار حرفه‌ای است و سود خوبی همیشه به جیب می‌زند تا اینکه پیشنهاد داد من طلاهایم را برای سرمایه‌گذاری در اختیار او قرار دهم. من فریب حرف‌های او را خوردم و تمامی طلاهایم را که ۲۰۰ میلیون تومان ارزش داشت، به او دادم و از آن روز به بعد شاهرخ ناپدید شد و تلفن همراهش را هم خاموش کرد.»

شکایت‌های مشابه

با شکایت دختر جوان، پرونده به دستور قاضی علیرضا بهشتی، بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ برای بررسی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران پلیس همزمان با ادامه تحقیقات برای شناسایی خواستگار شیاد با چند شکایت دختر دم‌بخت دیگر هم روبه‌رو شد که به همان شیوه شاکی اول در دام خواستگار قلابی گرفتار شده و اموالشان را از دست داده‌بودند.

یکی از شاکیان گفت:«در سایت همسریابی با مرد جوان شیک‌پوشی آشنا شدم که قرار بود پس از ازدواج همراه او برای زندگی به کشور امریکا بروم. او گفت معامله طلا و جواهر می‌کند و از من خواست طلاهایم را در اختیار او قرار دهم تا در کمتر از یک ماه سرمایه‌ام دو برابر شود و من هم طمع کردم و اموالم را از دست دادم.»

بازداشت

بدین ترتیب مأموران تحقیقات خود را ادامه دادند تا اینکه چند روز قبل موفق شدند متهم را که با خودروی گرانقیمتش در یکی از خیابان‌ها تصادف کرده‌بود، شناسایی و بازداشت کنند. وی پس از انتقال به اداره پلیس به جرم خود اعتراف کرد و در ادعایی گفت:«من چوپان هستم و اصلاً سوادی ندارم. مدتی قبل عاشق یکی از دختران روستایمان شدم، اما خانواده‌اش به خاطر اینکه وضع مالی خوبی نداشتم، دخترشان را به من ندادند و او زن مرد دیگری شد. پس از این تصمیم گرفتم پولدار شوم و خودم را به خانواده او اثبات کنم. ابتدا تصمیم گرفتم دختران پولدار را در فضای مجازی فریب دهم، اما موفق نشدم تا اینکه وارد سایت همسریابی شدم و دختران سن بالا را برای نقشه‌ام انتخاب کردم. من خودم را تاجر معرفی می‌کردم و همیشه سرقرار با خودروی مدل بالای کرایه‌ای می‌رفتم و در نهایت هم آنها را فریب می‌دادم. با فروش طلاهای آنها خودروی گرانقیمتی خریدم، اما خیلی زود گرفتار شدم.» تحقیقات از متهم ادامه دارد.

مرگ مشکوک زن معلول و برادرش بررسی می‌شود

تحقیقات درباره مرگ زن معلولی که همراه برادرش به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته‌اند، از سوی مأموران پلیس تهران ادامه دارد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۲ ظهر روز سه‌شنبه ۹ اسفند قاضی وحید ناصری، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری سلیمانیه از مرگ مشکوک زن معلولی در خانه‌اش باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

مأموران پلیس در محل حادثه با جسد زن ۳۷ ساله معلولی روبه‌رو شدند که به طرز مرموزی فوت شده بود. بررسی‌ها نشان داد زن معلول همراه برادرش در این خانه زندگی می‌کرده و تحت نظر سازمان بهزیستی بوده است تا اینکه ساعتی قبل عوامل اورژانس اجتماعی بهزیستی جسد بی‌جان او و پیکر نیمه‌جان برادرش را داخل خانه کشف می‌کنند. یکی از عوامل اورژانس گفت: «چند روزی از زن معلول خبری نداشتیم، به همین دلیل به خانه‌اش آمدیم تا جویای حالش شویم، اما کسی در را باز نکرد و وقتی با کمک پلیس در را باز کردیم با جسد او و پیکر نیمه‌جان برادرش روبه‌رو شدیم.» درحالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، ظهر دیروز به مأموران پلیس خبر رسید برادر زن معلول هم در بیمارستان جان باخته است. تحقیقات برای رمزگشایی مرگ خواهر و برادر ادامه دارد.

مفقودی

برگ سبز خودرو پراید GTXi مدل ۱۳۸۳ به رنگ سفید روغنی و شماره پلاک ایران ۳۸ - ۸۸۴ن ۶۹ و شماره موتور ۰۰۹۹۴۴۰۱ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۳۳۷۴۰۱۱ متعلق به وحید براد با کد ملی ۳۳۰۰۰۰۰۷۶۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

مفقودی

اینجانب فاطمه نظمی مالک خودرو پژو پارس XU۷ مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید روغنی و شماره شاسی NAAN۰۱CA۱EH۱۱۵۱۷۸ و شماره موتور ۱۲۴K۰۳۸۹۶۶۸ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. البرز

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
حوزه ثبتی ناحیه ۲ شهرکرد بخش ۱۰ استان چهارمحال و بختیاری

به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون فوق‌الذکر املاکی که در هیأت مندرج در قانون مذکور مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ شهرکرد مورد رسیدگی و رأی آن صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:

املاک واقع در قریه فرخشهر به شماره پلاک ۲۲ اصلی ۸۲۴۳ فرعی شرکت تعاونی گلدره به شناسه ملی ۱۰۳۴۰۰۵۲۷۸۹ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۲۳۳۱۴۶٫۴۲ مترمربع خریداری شده مع‌الواسطه از رجبعلی موسویان

به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی این آگهی نسبت به املاک فوق‌الذکر در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگهی و در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای صادره اعتراضی داشته باشند باید تا دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی در شهرها و از تاریخ الصاق آگهی در روستاها اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو شهرکرد تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت ناحیه دو شهرکرد تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۴۰۲/۰۱/۱۴
مهرعلی هیبتی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ شهرستان شهرکرد